

۲۰۸۷۴۹.

استخوانِ مردگان را شخم بزن

اداکا توکارچوک

(برنده‌ی جایزه نوبل ۲۰۱۹)

ترجمه‌ی هانیه مهرمطلق

ویراسته‌ی علی سلامی



نشر گویا

سرشناسه : توکارچوک، اولگا، ۱۹۶۲-م. ۱۹۶۲- Tokarczuk, Olga,

عنوان و نام پدیدآور : استخوان مردگان را شخم بزن / اولگا توکارچوک +

مترجم هانیه مهرمطلق + ویراستار علی سلامی.

مشخصات نشر : تهران : نشر گویا، ۱۳۹۸.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۹۴-۰۰۰-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عنوان اصلی: Drive your plow over the bones of the dead.

موضوع : داستان‌های لهستانی -- قرن ۲۱م.

موضوع : Polish fiction -- 21st century

رده بندی کنگره : PG۷۱۶۴

رده بندی دیویی : ۸۹۱/۸۵۳۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۵۸۵۵۲



نشر گویا

خیابان کریم خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن : ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com



gooya.publication

gooyabookstore

استخوان مردگان را شخم بزن

اولگا توکارچوک

مترجم: هانیه مهر مطلق

طراح جلد: امیر علانی

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۹۴-۰۰۰-۸

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ می‌باشد.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر می‌باشد.

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	درباره کتاب
۱۳	فصل ۱ حالا توجه کنید
۳۴	فصل ۲ اوتیسم تستوسترونی
۵۴	فصل ۳ نور ابدی
۶۲	فصل ۴ ۹۹۹ مرگ
۸۷	فصل ۵ نوری در باران
۱۱۱	فصل ۶ پیش پا افتاده و مبتذل
۱۲۹	فصل ۷ سخنی با پودل
۱۴۹	فصل ۸ طالع اورانوس در برج اسد
۱۷۷	فصل ۹ مفاهیمی عمیق در جزئی‌ترین مسائل
۱۹۳	فصل ۱۰ کوکوجوس همتا توها

فصل ۱۱ آواز خفاش‌ها	۲۰۹
فصل ۱۲ جانور کینه‌توز	۲۳۲
فصل ۱۳ کماندار شب	۲۴۸
فصل ۱۴ هیوط	۲۷۰
فصل ۱۵ هوبرت قدیس	۲۹۱
فصل ۱۶ عکس	۳۲۲
فصل ۱۷ دخترک	۳۳۹
از زبان نویسنده	۳۵۰
از زبان نویسنده	۳۵۱
تقدیر از او ایگنر کاچوک	۳۵۲
پانویس‌ها	۳۵۳

مقدمه و ترجمه

همان‌طور که از داستان‌های جنایی و اسرارآمیز انتظار می‌رود، رمان استخوان مردگان را شخم بزن. اما همان‌طور که در سرفحات ابتدایی با اتفاقی غیرمنتظره که مرگ فردی با یک تکه استخوان است، آغاز می‌گردد و رفته‌رفته قتل‌های دیگری نیز رخ می‌دهد، ولی برای هیچ‌یک رنجی موجود نیست. اما آنچه بیشتر از این حوادث وحشتناک توجه برانگیز است، زمانی فردی شخصیت اصلی داستان، خانم دوشیکو و روابط دوستانه، عجیب و ریب‌رگانه مضحک میان سایر شخصیت‌های داستان است. علاوه بر این، توصیفات طبیعت کوهستانی و فلات بسیار جالب‌توجه است. طبیعتی که با نیروی شگفت‌انگیزش و با تحت تأثیر قراردادن زندگی مردم دهکده از لحاظ جسمی و روحی، می‌تواند جزو یکی از شخصیت‌های اصلی رمان به حساب بیاید. در این میان توصیفات دقیق و خیال‌انگیز نویسنده از طبیعت و حیوانات جنگل، هم خوانش رمان و هم درک محیط را برای خواننده‌ی غیر لهستانی آسان‌تر کرده است. طوری که خواننده می‌تواند شرایط سخت و طاقت‌فرسای سرمای شدید زمستان و همچنین زیبایی و دلپذیر بودن فصل تابستان و یا دشواری‌های موجود در آن را با تمام وجود لمس کرده و در ذهن پیوراند.

سبک نگارش این رمان بیشتر جنبه‌ی توصیفی دارد تا بیان گفتگوهای بین

شخصیت‌ها، اما ویژگی خاصی در بسیاری از بخش‌های داستان وجود دارد که آن را از توصیفگر بودن صرف جدا می‌سازد. تقریباً در اکثر مواقع، اولگا توکارچوک از زبان شخصیت اصلی داستان، ابتدا با توصیف خیال‌انگیز و شگفت‌آور یک منظره، طرز زندگی و یا رفتار یک حیوان، آن را دوست‌داشتنی و بی‌نهایت زیبا و دست‌نیافتنی می‌سازد و خواننده را تا نقطه‌ای اوج بالا می‌برد. اما درست پس از آن، به طرز ناگهانی و غافلگیرکننده با ایجاد یک پاداج، شروع به بیان نکات منفی، سهمگین، خشمگین و پرهیاهوی طبیعت و شرح دادن دشواری‌ها، راب‌کاری‌ها و فریب‌کاری‌های موجود در زندگی حیوانات می‌کند و خواننده‌ای مستقر زیبایی را محکم بر زمین می‌کوبد. اما نکته اینجاست که توکارچوک، بسیاری موارد، بار دیگر موضوع جالب‌توجهی از طبیعت و یا حیوانات را بیان کرده و آن پاداج را نیز خنثی می‌کند و به داد دل خواننده‌ی داستان می‌رسد.

از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد این رمان، طنز ظریفی است که در متن وجود دارد. از گزینش نام افراد، توصیف‌های خالص و دوشیکو گرفته تا روابط خنده‌داری که هرازگاهی در میان شخصیت‌های داستان به وجود می‌آید. همچنین، کاربرد آشنایی‌زدایی در برخی از بخش‌های داستان نه تنها زیبایی متن افزوده است بلکه، اغلب موجب ایجاد شرایط و وضعیتی مضحک شده است، به خصوص در مواقعی که در وسط موضوعی بسیار جدی، شخصیت اصلی داستان از زاویه‌ی دیگری به موضوع نگاه کرده، ایرادی می‌گیرد و چیزی را مورد تمسخر قرار می‌دهد. با اینکه خانم دوشیکو فرد سالخورده‌ای است، اما نه تنها خواننده او را خسته‌کننده و ملال‌آور نمی‌بیند، بلکه پیوسته علاقه‌مند است تا بیشتر درباره‌ی او بداند. همچنین، وی آن چنان برخورد صمیمانه، دوستانه و وجدانی در کار و زندگی‌اش دارد که تقریباً تا قبل از فصل‌های انتهایی داستان، بیانش

از نظر خواننده، باورپذیر به نظر می‌رسد. به عنوان مثال در بخشی از داستان، او به گونه‌ای از زندگی گذشته و دوران جوانی خود تعریف می‌کند که اگر خواننده - ای از هر نسل آن را با دوران حداقل ده سال پیش خود مطابقت دهد، نوعی اشتراک حسی در او پیش می‌آید و بر راستی گفته‌های خانم دوشنیکو در خصوص افسوس خوردن بر گذشته‌ی از دست رفته ایمان خواهد آورد.

این کتاب از معدود رمان‌های ترجمه شده‌ای است که در آن به حقوق حیوانات و حتی برخوردی آن‌ها از زندگی آزاد و دارای امنیت پرداخته شده است. شخصیت اصلی داستان که یک گیاه‌خوار است تا جایی که در توان دارد، اهتمام ویژه‌ای نسبت به محافظت و رسیدگی به وضعیت حیوانات در مقابل شکار بی‌رویه و غیرقانونی آن‌ها دارد. بخش‌هایی از رمان طوری به بیان زشتی‌های هولناک گوشت‌خواری اشاره کرده است که هر خواننده‌ی با وجدانی را به تفکر وامی‌دارد. توکارچوک که سرراستی شخصی خود یک گیاه‌خوار است، در زمینه‌ی حقوق حیوانات نیز فعالیت‌هایی را انجام داده است و بخشی از نگرانی‌هایش را به خوبی در این داستان به تصویر کشیده است. وی آن‌طور که از زبان خانم دوشنیکو بیان می‌کند، معتقد است که «حیوانات هر کشوری، حقایق موجود در اون کشور رو نشان می‌دهند. منظورم رفتار است که در اون کشور با حیوانات می‌شه. اگه مردم رفتار وحشیانه‌ای با حیوانات داشته باشند، هیچ شکلی از دموکراسی نمی‌تونه به اون‌ها کمک کنه، درواقع هیچی نمی‌تونه به دادشون برسه.» (فصل ۱۰). خانم دوشنیکو علاوه بر بیان جهت‌گیری خود نسبت به وضعیت حیوانات، دیدگاه‌های منتقدانه‌ی خود را نیز از مردم کشور خود و همچنین دولت نشان داده است. او در جای جای رمان، با مقایسه‌ی رفتار و منش مردم جمهوری چک با شهروندان کشور خودش، در تلاش برای فرهنگ‌سازی و تغییر رویه‌ی اجتماعی است.